



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۱۸

شریف حکیم

نفرین شده...

جغرافیایی نفرین شده
تاریخ ننگینش را تکرار می کند
صفحات ، خون آلود
و زخم های ارچق گرفته بوی تحقیر می دهند
آسمایی خواب پریشان می ببند
ارواح خبیث بوزینه های عرب
دهلیز های شب را تسخیر کرده اند
فاتحان

بر پیکر بودا می شاشند
و ملتی مغلوب حلقومش را
با الفبای بیگانه تر می کنند
کابوس ها
سقوط یک تمدن
نزول یک نسل
و مرگ خورشید را
در سرزمین آفتاب قهقهه می خندند

هویت ها مسخ می شوند
رستم و سهراب قهرمانان میدان باخته اند
پرچم قیس و ولید و قطیبه
بر برج های شهر ریشخند می زنند
و نخبگان اسم های شان را با (ابو) تزئین می کنند
در سکوتی آراسته با قناعت
سر زمین باختگان
هویت شان را نیز باختند



در پای شب نشسته
سیاهی را نوید بخت سپید پنداشتند
آسمایی خواب پریشان می بیند
سبزوار در دند شین غرق می شود
و قریه های گمنام
با پسوند (کوت) تلخی شهرت را می چشند
ولی خواب نواده سامان، هنوز سنگین است
آسمایی خواب پریشان می بیند

سُرنايِ تعصب
پیغامِ برتریت به هوا پُف می کند
و دُهلِ نم کشیدهٔ تفوق
بلند تر از همیشه به صدا می آید
فرجام تلخ
مرگ تدریجی هویت
بر دیوارهای فرو ریختهٔ آسمایی حک می شوند
ولی خوابِ نوادهٔ سامان، هنوز سنگین است

شریف حکیم

می ۲۰۱۸ سدنی



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که غزلیات و سروده های دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحهٔ مقالات به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

Sharif_hakim_nafrin_shoda.pdf

نفرین شده